

## آن‌سوی مرگ

«ممکن است بخش‌هایی از این کتاب برای بیماران قلبی و آنهایی که با بیماری‌های عصبی دست و پنجه نرم می‌کنند مناسب نباشد.» این توضیحی است که در ابتدای معرفی این کتاب باید نوشت تا هرکه می‌خواهد سراغ این کتاب برود یا آن را توصیه کند توجه داشته باشد که مبدا ترویج کتابخوانی منجر به يك اتفاق ناخوشایند و تجربه حضوری مرگ شود! این کتاب روایتی است از سه تجربه مرگ! بله درست خوانده‌اید در این کتاب خواننده تجربه سه نفر را از زبان خودشان می‌خواند که مرگ را تجربه کرده‌اند. این کتاب حاصل سه مصاحبه با کسانی است که برزخ (جهان پس از مرگ و پیش از قیامت که مردگان در آن به انتظار قیامت نشسته‌اند) را تجربه کرده‌اند و دنیای پس از مرگ را دیده‌اند؛ البته لفظ «دیدن» برای جهانی که تجربه شدنی نیست و معلوم نیست با چشمی که ما داریم دیده شود چندان کاربردی نیست، ولی شاید با لفظ دیگری هم نشود آن را خطاب کرد.

کتاب با اقبال خوبی از سوی مخاطبان روبه‌رو شده و روایت مواجهه سه نفر با مرگ را بازگو می‌کند. کتابی که اغلب مخاطبان را تحت تأثیر قرار داده و روایت‌ها را تکان‌دهنده معرفی کرده‌اند. مصاحبه‌های این کتاب در مسیری است که تلاش می‌کند تمام مشاهدات افراد را ثبت کند و نویسنده کوشش کرده روایتی عینی از لحظات جدا شدن روح از بدن و ورود به جهان مرگ را برای خواننده بازگو کند. این کتاب با وجود مستند بودن اما لحن زبانی روان و ساده دارد و هرخواننده‌ای به راحتی با آن ارتباط برقرار می‌کند. در این کتاب مخاطب بی‌پرده به تجربه مرگ دست پیدا می‌کند و آن را از نزدیک لمس می‌کند به قدری که مخاطب در بخش‌هایی خود را جای فرد درگیر با امر مرگ قرار می‌دهد.

این کتاب را دفتر نشر معارف در ۳۵۲ صفحه منتشر کرده که شاید در روزهایی که کرونا حسابی مشغول جولان دادن است بتواند لحظات بی‌سابقه‌ای را برای مخاطب این‌گونه فراهم کند. «آن‌سوی مرگ» را جمال صادقی تألیف کرده که به کوشش محمدحسین حاجی‌ده‌آبادی گردآوری شده است. این کتاب تجربه مرگ و جهان پشت آن را برای شما بازسازی می‌کند!



در این کتاب‌ها بی‌پرده با مرگ روبه‌رو می‌شوید!

# مرگ در بند کلمات

اندر سفیه ما را برانداز می‌کند به این معنا که «مگه عقلت پاره‌سنگ برداشته چنین پیشنهادی می‌کنی یا مگه حیوانی مغزم رو گاز زده که بخوام درباره مرگ بخونم و استرس بگیرم» و جملاتی شبیه به این. ولی چه خوشمان بیاید و یا نه، مرگ هست و روزی هم نوبت به ما می‌شود. پس چه بهتر مقداری از این ترس کم کنیم و آگاهی خود را نسبت به این پدیده ناشناخته خلقت بالا ببریم. هرچند حتماً با خواندن درباره مرگ تغییری درباره مواجهه ما با آن ایجاد نمی‌شود، ولی حداقل این نکته مثبت در آن هست که می‌توانیم از زاویه يك نویسنده با این مقوله آشنا شویم و نوع نگاه‌های متفاوتی درباره آن پیدا کنیم، این‌طوری شاید مرگ برایمان پدیده‌ای ترسناک نباشد و راحت‌تر با آن کنار بیاییم.

این روزها که کرونا هر روز در حال قربانی گرفتن است و البته با رعایت نکات و توصیه‌های بهداشتی می‌توان به مقابله با آن برخاست، دیدیم بد نیست چند کتاب که در آنها نویسنده با مخاطب از مرگ سخن گفته را مرور کنیم. کتاب‌هایی که نویسندگان مرگ را در بند کلمات کرده تا خواننده برای دقایقی بدون واژه با آن روبه‌رو شود.

## پیشانی‌نوشت‌ها



علیرضا جوانمرد در مجموعه داستانی که نشر اسم آن را منتشر کرده سراغ مرگ رفته است. او از مرگ می‌نویسد و به خواننده‌اش یادآوری می‌کند که مرگ همین نزدیکی است. او در مجموعه‌ای که نوشته از زوایای مختلف درباره انسان‌ها و مرگشان نوشته و در واقع این مجموعه داستان مرگ است. مرگی که انسان‌ها حتی اگر نخواهند سراغشان می‌آید. در این کتاب انسان‌های گوناگون از يك جانباز تا يك کفاش قصه مرگشان برای خواننده بازگو شده است. قصه‌هایی که حتماً شما را دچار حیرت می‌کند.

این مجموعه داستان تلخ نیست، شاید از مرگ سخن بگوید ولی قرار نیست تلخی به کام خواننده‌اش بریزد، بلکه می‌خواهد تلاش کند بگوید که مرگ مقوله‌ای است که ما یعنی آدم‌ها، پیچیده‌اش کرده‌ایم در حالی که ساده‌تر از این پیچیدگی‌هاست. نویسنده در ساختمان داستان‌هایش دست به خلاقیت‌هایی زده که حتماً خواننده در روبه‌رو شدن با آنها دچار شکفتی خواهد شد. فرم‌هایی که در برخی به قدری خلاقانه و بدیع است که باور نمی‌کنید يك داستان خوانده‌اید و نویسنده کوشش می‌کند با این روش تلخی مضمون داستان‌هایش را بگیرد و با زبان داستان مقداری کام خواننده‌اش را شیرین کند.

## طعم گس زندگی



زندگی برای برخی شیرین و دلچسب است، ولی برخی به واسطه اتفاقاتی زندگی به کامشان تلخ می‌شود مثل زهر! حمیدرضا منایی اما داستان‌هایی نوشته که زندگی در آنها طعم گس دارند، طعمی که دهان جمع می‌شود و معمولاً بعد از خوردن خرمالوی نرسیده به آدم دست می‌دهد. او جدال بین مرگ و زندگی و زنده‌بودن و زندگی کردن را دستمایه مجموعه‌ای قرار داده تا داستان‌هایی بنویسد که در آنها نبرد میان زندگی و زنده‌بودن در جریان است و مرگ در نهایت هر دو را شکست می‌دهد و پیروز می‌شود. منایی که تجربه رمان «برج سکوت» او سبب شد تا انتظارات از او افزایش پیدا کند این بار در يك مجموعه داستان که فرم و ساختمان روایت در آنها نیز متفاوت از فضای داستان‌های امروز است، تلاش کرده خواننده را در این دوراهی و مواجهه انسان‌ها با مرگ قرار دهد. مرگی که شاید باورکردنی نباشد ولی به راحتی افراد را از دور زندگی خارج می‌کند. این مجموعه داستان که نشر «کتاب نیستان» آن را منتشر کرده، تلاشی است از نویسنده‌ای که نگاه جزئی و ریزی به مسائل دارد که البته او مسائلش را در درون انسان جست‌وجو می‌کند. مجموعه داستان «طعم گس زندگی» دهانتان را تلخ نمی‌کند، بلکه روایت‌هایی را به کام شما می‌نشانده که در آنها افراد با مرگ پنجه به پنجه می‌شوند.

حسام آبنوس

روزنامه‌نگار